

اهمیت اعتبارات رسمی روستایی

با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، دولت با حمایت از این بخش سعی در توسعه و گسترش آن دارد. مؤثرترین حمایت‌های دولت عبارت‌اند از: قیمت‌گذاری، پرداخت یارانه و اعتبارات. در قیمت‌گذاری، مصرف‌کننده و تولیدکننده در مقابل هم قرار می‌گیرند و تغییرات قیمت به نفع یکی و به زیان دیگری است. در پرداخت یارانه، دولت بابت افزایش تولید برخی محصولات از طریق نهاده‌ها یا خرید محصول، یارانه پرداخت می‌کند و زیان آن را می‌پذیرد. اما در اعتبارات بانکی، پس‌انداز مردم به بانکها جذب و سپس به صورت وام به متقاضیان پرداخت می‌شود. چگونگی توزیع اعتبارات بانکی بین بخشهای اقتصادی، زمینه تشویق و گسترش فعالیت در آن بخش را به وجود می‌آورد. از طرفی اعتبارات در بین کشاورزان و روستاییان اهمیت زیادی دارد. برای بررسی بهتر می‌توان آن را به دو بخش مصرفی و تولیدی تقسیم کرد. اعتبارات مصرفی ممکن است قابل پیش‌بینی باشد، مانند ازدواج یا خرید کالاهای پادوام. گاهی هم ممکن است غیرقابل پیش‌بینی باشد، مانند مرگ و میر، بیماری، خرابی وسایل و منازل. (۱)

اعتبارات تولیدی نیز شامل سه بخش مقطعی، تأمین سرمایه در گردش و ایجاد واحدهای تولیدی جدید است. اعتبارات تولیدی مقطعی مانند سیل، رکود بازار، کم بارانی، تهیه بذر و کود، اعتبارات تولیدی برای تأمین سرمایه در گردش در شرایط تورم شدت می‌یابد و عدم تأمین آن موجب

کاهش ظرفیت عملی واحد تولیدی می‌شود و آخرین بخش اعتبارات تولیدی که برای ایجاد یک واحد جدید در زمینه‌های زراعت، دام، صنایع روستایی و ... به کار گرفته می‌شود.

توزیع اعتبارات بانکی در بخش کشاورزی به افزایش تولید، ایجاد اشتغال و ارتقای سطح تکنولوژی منجر می‌شود. به طوری که برای واحدهای تولیدی تازه تأسیس تولید بیشتر حاصل می‌شود و افزایش اشتغال و افزایش ارزش افزوده را به همراه دارد و برای واحدهای موجود نه تنها به حفظ تولید، اشتغال و ارزش افزوده منجر می‌شود، بلکه از انتقال درآمدها به وام‌دهندگان غیررسمی و فقر بیشتر تولیدکنندگان بخش کشاورزی (به خصوص زارعان کوچک) جلوگیری می‌کند. باید گفت که توزیع اعتبارات در روستا به منظور ارتقای سطح فن‌آوری صنایع روستایی جهت فروش در بازار ملی و در بخش کشاورزی به منظور بالا بردن سطح تولید به افزایش ارزش افزوده منجر می‌شود.

اعتبارات بخش روستایی و بخش کشاورزی به دو قسمت رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود. همان‌گونه که نمودار شماره (۱) نشان می‌دهد، اعتبارات رسمی به سه بخش دولتی، نیمه دولتی و مردمی تقسیم می‌شود. بخش دولتی شامل بانکهای تجاری بویژه بانک کشاورزی است. بخش نیمه دولتی، کمیته امداد است که هزینه‌های آن، از بودجه دولت و کمکهای مردمی تأمین می‌شود و بخش مردمی شامل صندوقهای قرض الحسنه می‌شود که از طریق افراد خیر جامعه به وجود می‌آیند.

اگر چه وجه مشترک بخشهای وام‌دهنده رسمی و غیررسمی در پرداخت وام به متقاضیان روستایی است، اما تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که به شناسایی و بررسی آنها نیاز است.

۱- بخشهای وام‌دهنده رسمی مورد تأیید دولت هستند، به طوری که خود دولت ایجادکننده آن است. مانند بانک کشاورزی یا برای ایجاد آن از دولت اجازه می‌گیرد مانند صندوقهای قرض الحسنه.

۲- بخشهای وام‌دهنده رسمی برای همه متقاضیان دارای شرایط و ضوابط آشکار و مشخصی هستند در حالی که وام‌دهندگان غیررسمی، شرایط و

ضوابط توافقی دارند. این شرایط و ضوابط به اعتبار متقاضی، سوابق و قدرت مالی او بستگی دارد.

۳- هدف بخشهای وام دهنده رسمی، حمایت از تولیدکنندگان روستایی است در حالی که هدف وام دهندگان غیررسمی سود بیشتر می باشد.

۴- نرخ سود وامهای پرداختی توسط بخشهای وام دهنده رسمی پایین است، به طوری که هزینه نیروی کار نمی تواند نرخ تورم موجود را تأمین کند. مانند صندوقهای قرض الحسنه و کمیته امداد یا وامهای مستقیم بانک کشاورزی که نرخ سود پایینی دارد. این در حالی است که وام دهندگان غیررسمی سود و تورم را در هزینه وام لحاظ می کنند.

۵- با توجه به نرخ پایین سود در بخشهای وام دهنده رسمی روستایی، بازده وام به روستا و متقاضی وام یا وام گیرنده برمی گردد در حالی که وامهای غیررسمی بازده را به وام دهنده غیررسمی منتقل می کنند.

۶- در شرایط تورم، بخشهای وام دهنده با کاهش سرمایه یا کاهش نرخ رشد سرمایه مواجه می شوند و تضعیف می گردند. زیرا سرمایه آنها از طریق مردم خیرخواه، دولت یا سپرده گذاران تأمین می گردد. مانند صندوقهای قرض الحسنه و بانک کشاورزی. در شرایط تورم، انگیزه سپرده گذار کاهش می یابد و افراد خیرخواه به لحاظ رعایت موازین شرعی از درآمد کمتری برخوردار می شوند و توان حمایت آنها کاهش می یابد، در حالی که وام دهندگان غیررسمی به لحاظ دریافت نرخ سود بالا که نرخ تورم و سود را در برمی گیرد نه تنها تضعیف نمی شوند. بلکه به دلیل تضعیف بخشهای وام دهنده رسمی و گرایش آنها به وام غیررسمی تقویت نیز می گردند.

جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات رسمی روستایی

تفاوتهای موجود در اعتبارات رسمی و غیررسمی بیشتر متوجه بانک کشاورزی است، زیرا مهمترین بخش وام دهنده رسمی به روستاییان و کشاورزان می باشد. به طوری که در بین بانکهای تجاری و بخشهای غیردولتی و رسمی وام دهنده، بیشترین سهم را دارد. برای نمونه در سال ۱۳۷۵،

بانک کشاورزی ۳۶۹۵ میلیارد ریال (۲) تسهیلات به بخش کشاورزی و روستاییان پرداخت کرده، در حالی که بانکهای تجاری با پرداخت ۲۱۷۰ میلیارد ریال (۳)، ۳۷ درصد تسهیلات را به خود اختصاص داده اند و کمیته امداد که وام خودکفایی به روستاییان و کشاورزان می پردازد، در سال ۱۳۷۵، ۳۳ میلیارد ریال (۴) وام پرداخت کرده است که این میزان برابر با ۹ درصد وامهای بانک کشاورزی می باشد. بنابراین، بانک کشاورزی با اعطای تسهیلات با نرخ سود پایین در مقایسه با وامهای غیررسمی موجب توسعه بخش کشاورزی و روستا شده است. چنین عملکردی از اهداف اولیه بانک ناشی می گردد، زیرا عمده ترین هدفهای بانک کشاورزی، ارائه کمک مالی و فنی به متقاضیان سرمایه گذاری، اعطای تسهیلات به منظور حفظ ظرفیتهای تولیدی موجود و تأمین نیازهای مالی می باشد. (۵) هدفهای زیر جزء اهداف اعتبارات ارزان قیمت در دهه های قبل است که عبارت اند از:

- افزایش تولید محصولات کشاورزی

- بیرون راندن منابع غیررسمی از بازار اعتبارات

- کاهش هزینه تولید و افزایش درآمد سرانه

- کاهش نابرابریها و تعدیل درآمدها

- انتقال تکنولوژی (فن آوری) (۶)

عملکرد و هدفهای بانک کشاورزی نشان می دهد که تسهیلات اعطایی این بانک به عنوان ابزار تشویقی برای سرمایه گذاری جدید و حفظ واحدهای موجود است. (۷)

برای محاسبه سهم بانک کشاورزی در اعتبارات روستایی و بخش کشاورزی، می توان از مانده مطالبات بانکی استفاده کرد و سپس با تبدیل سهم یاد شده به ارزش وام از طریق وامهای پرداختی بانک کشاورزی به کل اعتبارات پرداختی به بخش کشاورزی دست یافت که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است. براساس جدول یاد شده، کل وامهای پرداختی به بخش کشاورزی در سال ۱۳۶۷، معادل ۶۵۹/۴ میلیارد ریال است که از این مبلغ ۳۸۲/۶ میلیارد ریال یا ۵۸ درصد آن از طریق بانک کشاورزی و ۲۷۷ میلیارد ریال یا ۴۲ درصد آن مربوط به بانکهای تجاری دیگر می شود. این رقمها با افزایش ۲۲۹ میلیارد ریال، ۳۹۱ میلیارد ریال و ۵۶۱ میلیارد ریال در سالهای ۷۰-۱۳۶۸ به ۱۸۴۰/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ می رسد که سهم بانک کشاورزی از وامهای کشاورزی در حدود ۵۲ درصد می باشد. در سال ۱۳۷۱، تسهیلات بانکی بخش کشاورزی چندان افزایش نمی یابد، اما از سال ۱۳۷۲ در بخش کشاورزی، تسهیلات بانکی

جدول شماره (۱): ارزش تسهیلات اعطایی به بخش کشاورزی و روستا در سالهای ۷۵-۱۳۶۷

واحد: میلیارد ریال

سال	کل	بانک کشاورزی		بانکهای تجاری	
		ارزش	سهم	ارزش	سهم
۱۳۶۷	۶۵۹	۳۸۲	۵۸	۲۷۷	۴۲
۱۳۶۸	۸۸۸	۴۴۴	۵۰	۴۴۴	۵۰
۱۳۶۹	۱۲۷۹	۶۲۶	۴۷	۶۵۳	۴۹
۱۳۷۰	۱۸۴۰	۹۵۷	۵۲	۸۸۳	۴۸
۱۳۷۱	۱۹۹۲	۱۰۷۶	۵۴	۹۱۵	۴۶
۱۳۷۲	۳۰۲۱	۱۷۵۲	۵۸	۱۲۶۸	۴۲
۱۳۷۳	۳۸۱۲	۲۳۶۴	۶۲	۱۴۴۹	۳۸
۱۳۷۴	۵۳۳۶	۳۳۶۲	۶۳	۱۹۷۴	۳۷
۱۳۷۵	۵۸۶۵	۳۶۹۵	۶۳	۲۱۷۰	۳۷

ماخذ: ۱- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سال ۱۳۷۵، بانک کشاورزی، ۱۳۷۵.

۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ۱۳۷۳، مرکز آمار، ۱۳۷۴.

افزایش چشمگیری داشته به طوری که طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۵ به ترتیب ۱۰۲۹، ۷۹۲، ۱۵۲۴ و ۵۲۹ میلیارد ریال بوده است و کل وامهای کشاورزی را در سال ۱۳۷۵ به ۵۸۶۵/۴ میلیارد ریال می‌رساند. بانک کشاورزی نیز طی این مدت با افزایش سهم وامهای بخش کشاورزی از ۱۷۵۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ به ۳۶۹۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵، سهم خود را از ۵۸ درصد به ۶۳ درصد می‌رساند که نشاندهنده ۵ درصد افزایش سهم است و سهم بانکهای تجاری با کاهش ۵ درصدی و افزایش ۹۰۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ به ۲۱۷۰/۲ میلیارد ریال می‌رسد. به طور کلی در طی سالهای ۷۵-۱۳۶۷، سهم بانک کشاورزی از وامهای بخش کشاورزی افزایش یافته و از ۵۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۶۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده که نشاندهنده افزایش جایگاه این بانک در توزیع اعتبارات به بخشهای کشاورزی و روستایی می‌باشد.

بررسی چگونگی توزیع وامهای بانک کشاورزی و اثر تورم بر تضعیف آن

آمار توزیع وامهای مستقیم بانک کشاورزی به تفکیک هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری در جدول شماره (۲) آمده است. بر اساس این

جدول، روند افزایش سرمایه‌گذاری تا سال ۱۳۷۰ با افزایش سهم امور سرمایه‌ای مواجه بوده است. زیرا وامهای سرمایه‌ای از ۱۲۴ میلیارد ریال یا ۵۳ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۷۵ میلیارد ریال یا ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش می‌یابد. در حالی که وامهای جاری از ۱۱۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۲۵۰ میلیارد ریال رسیده و ۲/۲۵ برابر افزایش یافته است. اما از سال ۱۳۷۱، سهم هزینه‌های وامهای کاهش یافته و از ۵۶ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این کاهش در حالی انجام گرفته که وامهای سرمایه‌ای از ۳۴۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ به ۲۲۲ میلیارد ریال کاهش یافته و وامهای جاری از ۲۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۱ به ۱۴۵۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته و ۵/۴ برابر شده است. روند بالا نشان می‌دهد که توزیع تسهیلات مستقیم بانک کشاورزی از سال ۱۳۷۱ به بعد در آن هنگام که نرخ تورم افزایش بیشتری پیدا می‌کند و واحدهای تولیدی را با کاهش سرمایه در گردش مواجه می‌سازد، وامهای جاری برای تأمین سرمایه در گردش واقعی واحدها افزایش می‌یابد و سهم سرمایه‌ای برای ایجاد واحدهای جدید کاهش می‌یابد و اشتغال‌زایی را کم می‌کند. این کاهش طوری است که سهم سرمایه‌گذاری وامهای بانک کشاورزی در سال ۱۳۷۵ به ۶۵ درصد آن در

جدول شماره (۲): ارزش تسهیلات اعطایی مستقیم بانک کشاورزی در سالهای ۷۵-۱۳۶۷

سال	اعتبارات	اعتبارات مستقیم		اعتبارات امور سرمایه‌ای		اعتبارات امور جاری	
		ارزش	سهم	ارزش	سهم	ارزش	سهم
۱۳۶۷	۳۸۲	۲۳۵	۶۱	۱۲۴	۵۳	۱۱۱	۴۷
۱۳۶۸	۴۴۴	۲۸۱	۶۳	۱۵۳	۵۴	۱۲۷	۴۶
۱۳۶۹	۶۲۶	۴۱۶	۶۶	۲۳۰	۵۵	۱۸۶	۴۵
۱۳۷۰	۶۵۷	۶۲۶	۹۵	۳۷۵	۶۰	۲۵۰	۴۰
۱۳۷۱	۱۰۷۶	۶۱۰	۵۷	۳۴۰	۵۶	۲۷۰	۴۴
۱۳۷۲	۱۷۵۲	۸۹۶	۵۱	۳۸۴	۴۳	۵۱۲	۵۷
۱۳۷۳	۲۳۶۴	۱۱۲۳	۴۸	۳۶۴	۳۲	۷۵۸	۶۸
۱۳۷۴	۳۳۶۲	۱۶۶۲	۴۹	۴۱۹	۲۵	۱۲۴۳	۷۵
۱۳۷۵	۳۶۹۵	۱۶۸۰	۴۵	۲۲۲	۱۳	۱۴۵۸	۸۳

ماخذ: بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سالهای ۷۵-۱۳۶۷، بانک کشاورزی، ۷۵-۱۳۶۷.

سال ۱۳۷۱ می‌رسد، در حالی که جمعیت روستاها روند افزایشی داشته و نیاز به اشتغال افزایش یافته است.

جدول شماره (۳) وضعیت تسهیلات مربوط به امور سرمایه‌ای بانک کشاورزی را به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، تسهیلات مربوط به وام سرمایه‌ای تا سال ۱۳۷۰ روندی افزایشی داشته به طوری که از ۶۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ به ۱۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ و یک میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ رسیده که نشاندهنده ۱۰۳ میلیارد ریال کاهش در توزیع اعتبارات این بانک است. این دگرگونیها در حالی صورت گرفته که جمعیت روستاها از ۵/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۷ به ۶/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده و سالانه بین ۶۰-۵۶ هزار نفر به جمعیت فعال آن اضافه شده است. از آنجایی که سرمایه‌گذاری جدید برای ایجاد واحدهای تولیدی جدید به کار می‌رود و در ایجاد اشتغال آثار آن معلوم می‌شود، اگر اعتبارات سرمایه‌ای بانک کشاورزی را به جمعیت فعال اضافه شده به روستاها تقسیم کنیم، سرانه وام دریافتی به هر روستایی فعال (شاغل یا بیکار) به دست خواهد آمد که در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. سرانه وام افراد فعال اضافه شده به روستاها تا سال ۱۳۷۰ روندی افزایشی دارد به طوری که از

۱۱۰۵ هزار ریال در سال ۱۳۶۸ به ۱۷۹۳ هزار ریال در سال ۱۳۷۰ رسیده و سپس با روندی کاهنده به ۱۶ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است که این رقم معادل ۰/۸ درصد سال ۱۳۷۰ می‌باشد. روند کاهنده ارزش واقعی وام‌های بانک کشاورزی به روستاییان نشان می‌دهد که برای تأمین تقاضای وام آنها به سیاست‌های جدیدی نیاز است. به عبارت دیگر، بانک کشاورزی به تنهایی و با شرایط فعلی نمی‌تواند جوابگوی نیاز روستاییان باشد. یکی از راه‌های پیشنهادی، ایجاد صندوق مشارکت زنان روستایی است.

صندوق مشارکت زنان روستایی

این صندوق که با مشارکت مالی زنان روستایی و کمک مالی جهاد تشکیل می‌شود، آثار بسیار مثبتی را دربردارد. از جمله این آثار مثبت می‌توان به گسترش مشارکت بین روستاییان، واگذاری بخشی از سیاست پولی به روستاییان، افزایش مشاغل خانگی، کاهش نرخ بهره وام‌های غیررسمی و کاهش فقر اشاره کرد. برای ایجاد چنین واحدهایی نیاز است تا روستاهای واجد شرایط مشخص شوند. این روستاها باید اولاً؛ بیش

از ۵۰۰ خانوار جمعیت داشته باشند تا افرادی که حاضر به مشارکت می‌شوند در حدی باشند که از سرمایه جمع‌آوری شده توسط آنان، بتوان وام پرداخت کرد. ثانیاً؛ در روستاهای یاد شده بانک یا صندوق قرض‌الحسنه نباشد، چون ممکن است در ایجاد آن و پس‌اندازی که جمع‌آوری خواهد شد تأثیر منفی بگذارد. ثالثاً؛ سطح سواد روستاییان نسبت به سایر روستاها بالاتر باشد تا زمینه مشارکت مساعدتر شود. رابعاً؛ سطح درآمد در حدی باشد که امکان پس‌انداز مبلغی - ولو کم - وجود داشته باشد و بالاخره آن دسته از روستاهایی برگزیده شود که روحیه مشارکت و همکاری جمعی در بین افراد آن بیشتر باشد.

پس از انتخاب روستاهای واجد شرایط، باید به ترغیب و تشویق زنان روستایی به ایجاد صندوق پرداخت تا پس از کسب موافقت آنها بتوان به چند نفر از روستاییان که فرصت بیشتر، سواد بالاتر و علاقه بیشتری دارند، به صورت مقطعی و کوتاه مدت آموزشهای لازم را ارائه داد. در این مرحله، جهاد سازندگی به صورت غیرمستقیم و در حد راهنمایی نظارت دارد. هدف از ایجاد صندوق، جذب پس‌اندازهای کوچک زنان روستایی به منظور تبدیل به سرمایه‌های

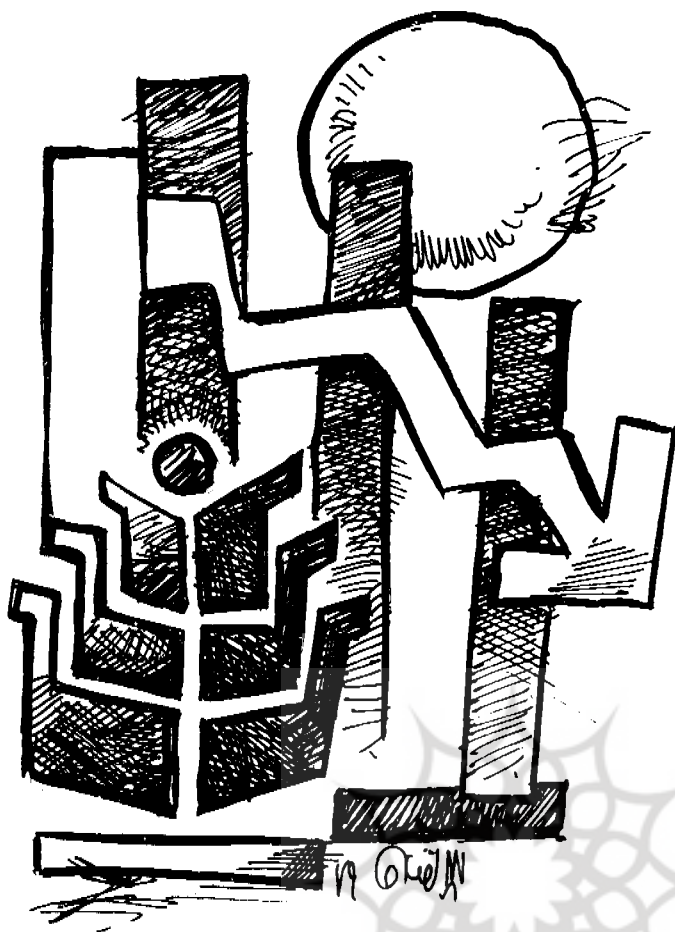
بزرگتر برای رفع نیازهای مصرفی و در نهایت اطمینان از تداوم صندوق و ایجاد شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری جهاد سازندگی خواهد بود. در این مرحله، سیستم اعتباری صندوق بسیار ساده است و می‌تواند الگویی برای روستاهای اطراف باشد تا آنها نیز به همین صورت بتوانند صندوق ایجاد کنند. در مرحله دوم، هر واحد کوچک اعتباری در روستا که مدت یک سال از فعالیت آن گذشته باشد و روحیه مشارکت بین روستاییان گسترش یافته باشد، می‌تواند مستقیماً زیر پوشش جهاد سازندگی قرار گیرد. جهاد سازندگی با پنج برابر سرمایه جمع‌آوری شده توسط روستاییان مشارکت می‌کند تا وام‌های مصرفی را که بیش از این بین روستاییان نیازمند توزیع می‌شد، به وام‌های تولیدی تبدیل کند و زمینه را برای گسترش اشتغال و کسب درآمد و در نتیجه کاهش فقر مساعد نماید. با مشارکت مستقیم جهاد سازندگی در سرمایه‌گذاری، نظارت آن نیز افزایش می‌یابد و سیستم مالی صندوق پیچیده‌تر می‌گردد. از آنجایی که در این مرحله، مبالغ وام به منظور امکان تولید افزایش می‌یابد، صندوق به نیروی دائمی و تمام وقت نیاز دارد. با افزایش سرمایه صندوق، کاهش ارزش پول که در سرمایه آن تأثیر

جدول شماره (۳): سرانه اعتبارات سرمایه‌ای بانک کشاورزی به روستاییان در سالهای ۱۳۶۷-۷۵

واحد: میلیارد ریال - هزار نفر

سال	اعتبارات مستقیم در امور سرمایه‌ای به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱	جمعیت روستایی شده به روستاها	سرانه اعتبارات سرمایه‌ای به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱ (ریال)
۱۳۶۷	۶۳	۵۸۳۸	۱۱۲۵
۱۳۶۸	۶۳	۵۸۹۵	۱۱۰۵
۱۳۶۹	۸۱	۵۹۵۲	۱۴۲۱
۱۳۷۰	۱۰۴	۶۰۱۰	۱۷۹۳
۱۳۷۱	۷۴	۶۰۶۸	۱۲۷۶
۱۳۷۲	۷۰	۶۱۲۷	۱۱۸۶
۱۳۷۳	۴۸	۶۱۸۷	۸۰۰
۱۳۷۴	۳۳	۶۲۴۷	۵۵۰
۱۳۷۵	۱	۶۳۰۷	۱۶

منبع: ۱- بانک کشاورزی، گزارش عملکرد سالهای ۱۳۶۷-۷۵، بانک کشاورزی، ۱۳۶۷-۷۵.
 ۲- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵.
 ۳- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.



منفی می گذارد، یک برابر از روستاییان و پنج برابر توسط جهاد سازندگی جبران می شود. در این مرحله، تشکیلات صندوق طوری است که هر روستای بزرگ یک نفر مسئول دارد و در چند روستای کوچک و بسته به فاصله آنها یک نفر مسئول خواهد داشت. در این زمینه وظایف جهاد سازندگی عبارتند از: ارائه آموزشهای کوتاه مدت، رفع مشکلات حسابداری، تأمین لوازم التحریر و...

سیستم وام دهی صندوق به این صورت است که در سال اول، وامهای مصرفی به مبلغ ۲۰۰ هزار ریال پرداخت می شود و پس از کمک مالی جهاد سازندگی، وامهای تولیدی نیز پرداخت خواهد کرد که مبلغ هر وام یک میلیون ریال خواهد بود. پرداخت وام به متقاضیان فقط با رأی اعضای صندوق صورت می گیرد تا مشارکت روستاییان عضو افزایش یابد. از آنجا که وام گیرنده آشناست و همه یکدیگر را می شناسند، به وثیقه یا ضمانت نیازی نیست. مدت بازپرداخت وام، ۲۵ ماه و هفته ای دو هزار ریال می باشد و این مبلغ جدای از هزار ریال سرمایه گذاری اعضا در هفته است. سرمایه بازیس داده نمی شود، مگر آنکه صاحب آن به مهاجرت از روستا مجبور شود.

ساختار مالی

جدول شماره (۴)، حالت فرضی را نشان می دهد که در یک روستای ۵۰۰ خانواری تمام روستاییان از روز اول عضو صندوق شده اند و به طور مرتب سرمایه گذاری می کنند و وامها نیز به موقع پرداخت می شود. در چنین روستایی، هر

هفته به دو تا سه نفر وام ۲۰۰ هزار ریالی پرداخت می شود، به طوری که در یک دوره شش هفته ای، سرمایه صندوق به ۴/۵ میلیون ریال می رسد و تعداد وام گیرندگان به ۲۳ نفر افزایش می یابد که ۴/۵ درصد اعضای صندوق است. چنین صندوقی در طول یک سال می تواند ۲۶ میلیون ریال سرمایه جذب کند و اگر جهاد سازندگی ۵ برابر آن کمک مالی نماید، سرمایه صندوق به ۱۵۶ میلیون

ریال خواهد رسید که در این صورت به جز وامهای مصرفی که هر هفته پرداخت می شود به ۱۳۰ نفر ابتدا وام تولیدی پرداخت خواهد شد و سپس با بازپرداخت قسط، هفته ای ۵ نفر وام تولیدی خواهند گرفت به طوری که پس از یک سال، حدود ۴۰۰ نفر از اعضای صندوق وام تولیدی می گیرند و این جدای از وامهای مصرفی است که صندوق پرداخت خواهد کرد.

جدول شماره (۴): ساختار مالی صندوق در ۹ هفته اول

هفته	سرمایه اضافه شده	سرمایه بانک	بازپرداخت وام	مانده از قبل	جمع ستونهای ۳ و ۴	تعداد وام	مانده فعلی	تعداد کل وام گیرندگان
۱	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	---	---	۵۰۰۰۰۰	۲	۱۰۰۰۰۰	۲
۲	۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰	۴۰۰	۱۰۰۰۰۰	۶۰۴۰۰۰	۳	۴۰۰۰	۵
۳	۵۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰	۴۰۰۰	۵۱۴۰۰۰	۲	۱۱۴۰۰۰	۷
۴	۵۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۱۴۰۰	۱۱۴۰۰۰	۶۱۴۰۰۰	۳	۱۴۰۰۰	۱۰
۵	۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۲۰۰۰	۱۴۰۰۰	۵۳۴۰۰۰	۲	۱۳۴۰۰۰	۱۲
۶	۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۲۴۰۰	۱۳۴۰۰۰	۶۵۸۰۰۰	۳	۵۸۰۰۰	۱۵
۷	۵۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰	۳۰۰۰	۵۸۰۰۰	۵۸۸۰۰۰	۲	۱۸۸۰۰۰	۱۷
۸	۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰	۳۴۰۰	۱۸۸۰۰۰	۷۱۲۰۰۰	۳	۱۲۲۰۰۰	۲۰
۹	۵۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰	۴۰۰۰	۱۲۲۰۰۰	۶۲۶۰۰۰	۳	۲۶۰۰۰	۲۳

با ایجاد صندوق مشارکت زنان روستایی، پس اندازهای ناچیزی که زنان روستایی جمع‌آوری می‌کنند یا درآمدهای جنبی تولیدی از قبیل فروش تخم مرغ یا سبزیجات و ... مبلغ کمی را پس انداز می‌کنند تا زمانی که به رقم مورد نظر آنها نرسد، بدون استفاده باقی می‌ماند. این پس اندازها در صندوق سرمایه‌گذاری می‌شود و جزء سرمایه صندوق محسوب می‌شود تا به جای غیرقابل استفاده ماندن، یک جا جمع شود و به صورت وام به متقاضیان پرداخت شود. با افزایش سرمایه صندوق و کمک جهاد سازندگی، وامهای مصرفی به وامهای تولیدی تبدیل می‌شود و به جای افزایش مصرف در جامعه، تولید افزایش خواهد یافت و در نتیجه با کسب درآمد حاصل از تولید، فقر وام‌گیرندگان کاهش خواهد یافت.

ایجاد چنین صندوقهایی در روستاها با مشارکت زنان روستایی و پرداخت وام بدون وثیقه موجب می‌شود تا سرمایه‌ها از بانکهای مستقر در روستاها به سمت این صندوقها انتقال یابد و بر تعداد آن افزوده شود. نبود وثیقه و مقررات دست و پاگیر برای وام‌گیرندگان و مشارکت زنان در صندوق از مزایای آن در مقابل بانکهای دیگر است. از آنجایی که سرمایه صندوق با مشارکت زنان جمع‌آوری شده، حضور وام‌گیرنده در روستا بدون وثیقه، می‌تواند موجب شود تا سوخت وامها کاهش یابد، زیرا سیستم خودکنترلی در روستا به وجود آمده و وام‌گیرنده نمی‌تواند از پرداخت قسط خودداری نماید چرا که با اعتراض کلیه صاحبان سرمایه یا اعضای صندوق مواجه خواهد شد. اگر چه تورم یا کاهش ارزش پول در زمانی که سرمایه صندوق ثابت است باعث کم شدن سرمایه واقعی خواهد شد و با ثابت ماندن تعداد وام‌گیرنده در هر دوره، ارزش واقعی کم می‌شود، اما سرمایه این صندوق در حال افزایش است که در واقع هم اثر کاهش ارزش پول را خنثی می‌کند و هم می‌تواند بر تعداد وام‌گیرندگان یا ارزش واقعی وام بیفزاید.

نتیجه‌گیری

روند توزیع اعتبارات بانکی نشان می‌دهد که بانک کشاورزی مهمترین بخش توزیع‌کننده

در شرایط تورم، انگیزه سپرده‌گذار کاهش می‌یابد و افراد خیرخواه به لحاظ رعایت موازین شرعی از درآمد کمتری برخوردار می‌شوند و توان حمایت آنها کاهش می‌یابد، در حالی که وام‌دهندگان غیررسمی به لحاظ دریافت نرخ سود بالا که نرخ تورم و سود را در برمی‌گیرد نه تنها تضعیف نمی‌شوند. بلکه به دلیل تضعیف بخشهای وام‌دهنده رسمی و گرایش آنها به وام غیررسمی تقویت نیز می‌گردند.

بانک کشاورزی با اعطای تسهیلات با نرخ سود پایین در مقایسه با وامهای غیررسمی موجب توسعه بخش کشاورزی و روستا شده است. چنین عملکردی از اهداف اولیه بانک ناشی می‌گردد. زیرا عمده‌ترین هدفهای بانک کشاورزی، ارائه کمک مالی و فنی به متقاضیان سرمایه‌گذاری، اعطای تسهیلات به منظور حفظ ظرفیتهای تولیدی موجود و تأمین نیازهای مالی می‌باشند.

وامهای روستایی است اما اثر تورم از قدرت مالی آن کاسته است. بنابراین، باید بخش جدید اعتباراتی در روستا ایجاد شود تا نیاز مالی روستاییان را تأمین کند، در غیر این صورت اعتبارات غیررسمی گسترش خواهد یافت که نتیجه آن، انتقال بخشی از درآمد روستاییان به رباخوار، سلف، خرد و ... می‌باشد. از طرفی، سیاست اعتبارات بانکی طوری است که در توزیع به مشارکت روستاییان توجهی ندارد. بنابراین، نمی‌تواند اولویت را بین نیازهای مصرفی و تولیدی تشخیص دهد. زیرا برخی نیازهای

مصرفی تأثیر بیشتری در تولید دارند. این اولویت‌بندی یک سیستم جدید اعتباری را می‌طلبد که با مشارکت مردم حاصل می‌شود. صندوق مشارکت زنان روستایی، یکی از سیاستهای اعتباری پیشنهادی است که اعتبارات روستایی را با مشارکت زنان و در قالب اعتبارات خرد گسترش می‌دهد و موجب افزایش اشتغال خانگی در روستاها می‌شود که مربوط به زنان روستایی است و همچنین، تولید کشور بویژه محصولات دامی مانند گوشت، تخم مرغ و شیر را افزایش خواهد داد. گسترش این واحدها در روستا با حمایت‌های مالی معاونت ترویج اهمیت می‌یابد، چراکه از تشکیل و تأسیس تعاونیها و مشاغل خانگی حمایت می‌کند.

منابع و ماخذ

- ۱- استفن دورو، هنری پی وس و جان بست. "اعتبار و پس انداز برای توسعه"، مترجمان حمید یونسی، ناصراوکتایی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۷۵.
- ۲- ایران نژاد، ژیللا. "سرمایه‌گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران"، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۵، صفحه ۸۳.
- ۳- بانک کشاورزی. "گزارش عملکرد بانک کشاورزی"، ۱۳۷۵.
- ۴- شادی طلب، ژاله. "تبدیل ساختار اقتصادی و سیاستهای اعتباری بخش کشاورزی"، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه نامه سمینار آزاد سازی و توسعه کشاورزی، زمستان ۱۳۷۲.
- ۵- کمیته امداد. "گزارش آماری کمیته امداد سال ۱۳۷۵"، کمیته امداد، ۱۳۷۶.
- ۶- طالب، مهدی. "اعتبارات روستایی"، تهران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۷۲، ص ۳۷۹-۳۷۸.